



۲۰۱۲/۰۹/۲۲



داکتر عبدالرحمن زمانی

اصلاحات امانی علت اغتشاش یا قربانی اغتشاش؟

(قسمت پنجم)

عوامل داخلی سقوط رژیم امانی

در نتیجه اصلاحات، گروه های متنفدی بشمول روحانیون، خوانین و سرداران صلاحیت مطلق، امتیازات و حقوق مستمری خود را از دست داده به مخالفین رژیم تبدیل شدند. در صفحات آتی نقش منفی رهبران مذهبی مخالف و مثال های از خیانت سرداران و درباریانی که حیثیت مارهای پرخط وخال داخل آستین را داشتند، مختصراً ذکر خواهد شد.

نقش روحانیون و انگیزه های مخالفت شان با رژیم

به گفته سنخل نوید، مؤلف کتاب «واکنش های مذهبی بمقابل تحولات اجتماعی در افغانستان»، مخالفت بر علیه اصلاحات امانی در مرحله اول توسط ملاها یا علمای پائین رتبه روستائی براه افتاد، اما در سال ۱۹۲۸ گروه های مختلف مذهبی دریک جبهه متحد به مقابل دولت قیام نموده با اعلانات تحریک آمیز، شاه را به عنوان مرتد و کسی که از حدود شریعت تجاوز کرده بود، محکوم ساختند. (۱)

البته تمام روحانیون با اصلاحات امانی مخالف نبودند. عده از روحانیون متنفذمخالف انگلیس نه تنها تا اواخر سال ۱۹۲۸ از رژیم امانی حمایت نمودند، بلکه در اغتشاش جنوبی نیز با پیروان شان به حمایت از رژیم جنگیدند. (۲) در فعالیت های ضد دولت امانی حضرت فضل عمر مجددی (نورالمشایخ) و برادرش حضرت محمدصادق مجددی (حضرات شوربازار) نقش بارز داشتند. (۳)

قابل یادآوریست که حضرت فضل محمد مجددی که بعد از وفات پدرش قیوم جان آغا برهبری خانواده رسیده و نیزمراسم دستار بندی امان الله خان را بجا آورده بود، به همراهی برادرش حضرت فضل عمر مجددی در نبرد استقلال کشور از خود شهادت و فداکاری نشان داده و ازطرف شاه با اعطای القاب شاندار مذهبی شمس المشایخ و نورالمشایخ و عالی ترین نشانهای دولتی (نشانهای لمر) که امتیازات مادی را نیز همراه داشت، نوازش یافته بودند. (۴)

حضرت شمس المشایخ مشهور به شاه آغا تا آخر عمر از غازی امان الله خان حمایت نمود و در مراسم رسمی در پهلوی شاه قرار داشت. او کسی بود که به تاریخ ۱۹ نومبر ۱۹۲۰ بعد از ادای نماز جمعه اعلان کرد که امان الله خان یگانه شاه مسلمان در دنیای اسلام است یعنی شاه آزاد، پس باید به نام خلیفه جهان اسلام شناخته شده و خطبه بنام وی خوانده شود.

طوری که قبلاً گفته شد شاه امان الله خان در دوران اغتشاش جنوبی بر حضرت نورالمشایخ مشتبه شده خواست او را زندانی کند، ولی به پاس احترامی که به شخصیت حضرت شمس المشایخ داشت، از حبس نورالمشایخ بشرطی منصرف شد که از افغانستان خارج شود. حضرت نورالمشایخ هم به نام ادای مراسم حج از افغانستان برآمده و بعد از آن در سر هند و دیره اسمعیل خان سکونت اختیار کرد. تبعید نورالمشایخ، تندى و سرسختی وی را نسبت به رژیم امانی بیشتر ساخت، و فعالیت های او دشمنی آشتی ناپذیری بین شاه و خانواده روحانی و قدرتمند مجددی را ببار آورد.

بعد از وفات حضرت شمس المشایخ در سال ۱۹۲۵ رهبری طریقه نقشبندی هم به حضرت نورالمشایخ (مشهور به شیرآغا) و حضرت محمد صادق مجددی (مشهور به آقای گل)، که مخالفین سرسخت امان الله خان بودند، انتقال کرد. در اغتشاشات ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ حضرت نورالمشایخ مجددی و حضرت محمد صادق مجددی نقش های مهمی را بازی نموده در سقوط رژیم امانی سهم داشتند.

د پانو شمیره: له 1 تر8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورولو مخکې په خیر و لولئ

استاد فضل غنی مجددی مینویسد که « امان الله خان در ابتدای سلطنتش از تائید زعمای اسلامی بهره مند بود لیکن در اواسط حکومتش خصوصاً بعد از ۱۹۲۵ هر روز تائید زعمای اسلامی را در نتیجه روش خود در حکومت و سرعت در اصلاحات از دست میداد. (۵) او علاوه میکند که وفات حضرت شمس المشایخ، مردی معتدل و حامی امان الله خان، تقویت مخالفین امان الله خان را سرعت بخشید. آنها نخست مبارزه سیاسی را آغاز کردند، چون نتیجه مطلوب حاصل نشد، دست به مبارزه مسلحانه زدند. (۶)

« اولیور روی» اسلام شناس معروف فرانسه معتقد است که با اعلام سیاست مدرنیزه کردن جامعه افغانی از جانب شاه مناسبات امان الله با روحانیت متنفاً برهم میخورد و این در واقع پایان اتحادی است که بنام پان اسلامیم میان قبایل، جامعه، روحانیت و قدرت حاکم تجدد طلب برقرار بوده است. علت اصلی عدم توافق در باره رابطه میان دفاع از اسلام و غرب گرایی است. از نظر علمای بنیادگرا، دفاع از اسلام عبارت از هدایت جامعه به سوی اسلام و شریعت است، مگر از نظر امان الله خان، دفاع از اسلام یک مقوله سیاسی ضد امپریالیستی است و لازم است با گرایش به سوی غرب جامعه رابه سوی تجدد رهنمون شد. (۷)

راجع به علت تغییر سیاست رژیم امانی باید گفت که موقف سیاسی امان الله خان در جنگ استقلال شهرت و محبوبیت زیادی برایش کسب کرد، و پالیسی اولی او بر بنیاد مخالفت با استعمار انگلیس، طرفداری از پان اسلامیزم و نشنلیزم استوار بود. او بعد از کسب استقلال هم به حمایت از جنبش خلافت و جنبش های آزادیبخش مردم هند ادامه داد. اما بعد از قرارداد صلح با انگلیس ها و قبولی مسئولیت های سلطنت، غازی امان الله خان باید روش مناسبات نسبی دوستانه با همسایگان قدرتمند انگلیس و روس را در پیش میگرفت. از طرف دیگر تحولات آسیای میانه، شکست امیر بخارا، کشته شدن نورپاشا، لغو خلافت و تحولات دیگری که خارج از افغانستان رخ داد، تاثیرات خودش را در افغانستان نیز داشت.

اکثریت مؤرخین خارجی و داخلی معتقد هستند که اختلاف روحانیون و ملاها با رژیم امانی اختلاف مذهبی نی، بلکه اختلاف سیاسی بود. **دلایلی که چرا آنها به مخالفت با رژیم امانی آغاز کردند، قسماً از دست دادن موقف سیاسی و امتیازات شان (که با پروگرام های مرفقی دوره امانی در تصادم قرار داشتند)، قسماً کم شدن قدرت مذهبی شان در امور قضائی، و قسماً طبیعت عقب گرایی شان ذکر شده است.**

به گفته پولادا چیزی که ملاها را میترساند برخلاف اتهامات دروغین کفر، عقیده راسخ شاه امان الله خان به دین مبارک اسلام بود، آنها تلاش های ترقی و انکشاف جامعه افغانی و از بین بردن رشوت را بیشتر حمله بر خود تلقی میکردند، تا دیگران. (۸)

استاد فضل غنی مجددی که هم به یک خانواده روحانی مخالف امان الله خان تعلق دارد و هم در پهلوی داشتن ماستری در رشته تاریخ، تحقیقات و آثار زیادی در فقه اسلامی دارد، میگوید که « موقف شخصی امان الله خان نسبت به دین اسلام را که بعضی مخالفین اش مخالفت و خروج وی از دایره دین تعبیر نمودند، دور از انصاف است. ما درین حکم با مخالفین امان الله خان همراه نبوده و از خلال تحقیق دانستیم که امان الله خان نسبت به اجدادش در دیانت بهتر بود. امان الله خان در نوشیدن شراب و معشوقه داشتن شهرت ندارد. رفع حجاب را نمیتوان دلیل به کفر امان الله خان دانست.» (۹)

مجددی علاوه میکند که «اگر به نوشته های مخالف درجه اول امان الله خان، حضرت محمد صادق مجددی مراجعت نمائیم کلمه کفر و خروج امان الله خان را از شریعت ملاحظه نمیکنیم.» (۱۰)

«پولادا» نقش روحانیون را به بررسی گرفته و راجع به علل مخالفت آنها مینویسد که « امان الله از سفر اخیر خود بخصوص از مشاهده برنامه های پر قدرت مصطفی کمال در ترکیه و رضا شاه در ایران ملهم بود. او آرزو های خود را در زمینه، در لویه جرگه که در آن بیشتر از یکهزار نفر در اگست ۱۹۲۸ در کابل احضار شده بودند با مردم در میان گذاشت. نخست شاه در باره سفر خود گزارش ارائه و بعداً برنامه های رفورم خود را درباره تغییر سریع شرایط اقتصادی اجتماعی افغانستان مطرح نمود. این پروگرام که قلب قدرت روحانیت را در افغانستان نشانه گرفته بود. شامل تحصیلات ملاها، ایجاد مکتب قضات، مکتب حقوق غیر مذهبی، لغو کامل اوقاف، از بین بردن پیری و مریدی در اردو، تحریم ملاها یی که در "دیوبند" که یکی از مدارس مورد احترام در جهان و یکی از مراکز مهم احیای اسلامی و فعالیت های ضد برتانوی محسوب میشد از جانب رهبران مذهبی محافظه کار به حیث اعلان جنگ تعبیر گردید.» (۱۱)

عوامل ضعیف کننده حکومت

خیانت سرداران و درباریان فاسد و متملق، که حیثیت مارهای داخل آستین را داشتند، به شمول گروه بندی های داخل دولت، کارشکنی خانواده مصاحبان، و سوء استفاده از اعتقادات مذهبی عوام و اغتشاشات سبب ضعف و بی ثباتی حکومت مرکزی شد.

خیانت سرداران و درباریان

عدم وفاداری و در بسیاری موارد مخالفت، منافقت و سازشهای درباریان و مأمورین عالیرتبه که حیثیت مارهای پرخط و خال داخل آستین را داشتند، هم در ضعف ساختن دولت امانی نقش داشت. درینجا چند نمونه ازین مخالفت ها و منافقت های داخل دربار را ذکر میکنیم.

سردار شیراحمدخان: بنا بر گزارش حافظ سیف الله خان، عامل مسلمان انگلیس در کابل، قبل از آنکه بتاريخ ۲۵ سپتمبر بطرف هند حرکت کند، سردار شیر احمدخان، یکی از درباریانی که بعداً به ریاست شورای دولت رسید، در خفا با او ارتباط گرفته و خواست پیامش به مقامات انگلیسی رسانده شود. او میگوید، هنگامی که کالاهایش از نمایندگی انگلیس به ایستگاه موتر انتقال می یافت، دفعتاً یک گادی دیگر که شیراحمدخان در آن نشسته بود، در پیش روی آنها قرار گرفته و با اشاره یکن از کارکنان نمایندگی انگلیس بنام حافظ مطیع الله را میطلبید. او بعد از آنکه مطیع الله را با گادی به یک گوشه میبرد و پیغامی از طرف چندتن از نخبگان افغان را میدهد که در آن جمله گل محمدخان هم شامل بود، کسی که بحیث اولین نماینده حکومت مستقل افغانستان در هند بریتانوی آماده گی گرفت با او یکجابه هند برود. در پیغام گفته شده بود که «مردم از امان الله خان و طرز حکومتش راضی نیستند، و منتظر آن روزی هستند که کابل توسط حکومت انگلیس ها اشغال شود و افغانستان توسط یک سیستم معقول حکومتی اداره شود. شیر احمد خان گفت که من بی صبرانه منتظر هستم از جمله اولین کسانی باشم که فرصت مناسب فیرکردن بر امیر را داشته باشم. او بعد از آن خلاصه دشمنی ها و اختلافات خانواده سلطنتی و خانواده های نزدیک به آن را بیان نمود. گل محمد خان، نماینده جدید افغانستان در هند، از جمله کسانی بود که در دوران سلطنت امیر عبدالرحمن خان در هند زندگی میکرد، و پسرش فیض محمد خان زکریا از دوستان نزدیک غازی امان الله خان، وزیر معارف آنزمان و از جمله کسانی بود که مطابق اسناد استخبارات انگلیس بعداً با نورالمشایخ تماس داشته و در توطئه های علیه رژیم امانی سهیم بود.

در دوران اغتشاش منگل، هنگامیکه محمولی خان دروازی در خوست میجنگید، و محمود طرزی تا هنوز از پاریس به کابل نرسیده بود، کفالت وزارت خارجه را همین سردار شیراحمدخان به عهده داشت. او قبلاً بحیث وزیر مختار افغانستان در روم و بعد از آن بحیث رئیس مجلس شورا ایفای وظیفه میکرد. او هنگام مذاکرات با مکنوناچی شکایت کرد که حکومت بیش از پنجصدروپیه قرضدارش میباشد، اما کسی به حرف هایش گوش نمیدهد. او علاوه کرد که به من وعده داده شده بود که در صورت کار خوب معاشم زیاد خواهد شد. اما از آنجائی که به من طیاره های از کار افتاده داده شد، بدون آنکه گناه من باشد، نتوانستم معاش اضافی بگیرم». (۱۲)

سردار شیراحمد خان در ملاقات با مأمور سفارت انگلیس، مکنوناچی، به تاریخ ۱۷ سپتمبر ۱۹۲۴، ضمن افشای اسرار دولتی برای جلب رضایت و خوشخدمتی انگلیس ها بر امان الله خان و محمود طرزی انتقاد نموده و میترسید که وظیفه اش را از دست خواهد داد. او اظهار داشت که «کار من ختم شد. من شنیدم که محمود طرزی به کراچی رسیده است... تا وقتی که من در وزارت خارجه بودم برای دوستی بین بریتانیای کبیر و افغانستان کار کردم... علاقه شخصی من کاملاً همین طور است... برای اشخاص تازه به دوران رسیده طبقه پائین مثل [امیر] محمد هاشم خان وزیر مالیه و عبدالهادی [داوی] بسیار مناسب است» (۱۳) که برای پیشرفت خود چشم براه نفوذ روسیه در کشور باشند، چرا که بلشویک ها همیشه رهبران خود را از طبقات پائین انتخاب میکنند... اما انگلیس ها میدانند که با یک سردار چگونه پیش آمد کنند. من کتب تاریخ را خوانده ام و میفهمم که لاردرابرتس هنگامی که در کابل بود، همیشه با نجبای افغان با ادب و نزاکت زیاد رفتار میکرد، و حتی در باره امور اداری با آن ها مشوره میکرد». (۱۴)

به اساس اسناد موجود در آرشیف لندن، سردار شیراحمد خان هم از جمله مأمورین عالیرتبه دولت امانی بود، که نورالمشایخ در جریان فعالیت های ضد رژیم امانی در هند بریتانوی با او ارتباط منظم داشت. سردار شیر احمدخان، رئیس شورا، در سال ۱۹۲۸، حینی که روشنفکران تقاضای جدائی حکومت از سلطنت را داشتند، توسط غازی امان الله خان به عنوان صدراعظم یا رئیس الوزرا تعیین و به تشکیل کابینه جدید مأمور شد، اما به علت نداشتن نفوذ و منزلت

خاصی در بین گروه های سیاسی هم روشنفکر و هم محافظه کار از همکاری آنها محروم و از ناکامی به شاه گزارش داد.

والی علی احمد خان: یکی از نمونه های بارز درین رابطه والی علی احمد خان میباشد. او قرابت نزدیکی با غازی امان الله خان داشته (هم پسر ماما و هم شوهر خواهر)، و از اعتماد زیاد او برخوردار بود. اما وقتیکه در دوران اغتشاش شینوار به سمت مشرقی فرستاده شد، به عوض آنکه از نفوذش برای خاموش ساختن اغتشاش استفاده کند، دست به خیانت و فعالیت های ضد رژیم زده دروازه های شهر جلال آباد را بروی شورشیان باز و پادشاهی خودش را اعلام نمود.

اسناد آرشیف انگلستان نشان میدهد که والی علی احمد خان سالها قبل از اغتشاش شینوار هم میخواست است با طرح کودتای علیه رژیم امانی خود بر اریکه قدرت تکیه بزند. در یکی ازین اسناد آمده است که بتاريخ ۱۴ ماه می ۱۹۲۷، هنگامی که امان الله خان مصروف بازدید و تفتیش صفحات شمال کشور بود، شاعاسی علی احمد خان، که والی برحال کابل بود، بسیل گولد Basil J. Gould، شارژدافیر سفارت انگلیس را که در غیاب همفریز مسئولیت امور سفارت را به عهده داشت، به نان شب دعوت مینماید. علی احمد خان از شارژدافیر انگلیس میپرسد که اگر روس هابر افغانستان حمله کنند یا در امور افغانستان آشکارا مداخله کنند، بریتانیا چه روشی را اتخاذ خواهد کرد؟ او علاوه نمود پیشبینی میکند که با درنظرداشت شرایط آتی، بصورت عملی، دادن جواب سؤال او به چند هفته یا چندماه نیاز خواهد داشت. «افغانستان واقعاً از افراد و شیوه های کار و مشاورین امان الله خان، که همه تابع منافع روسیه میباشد، و اکثریت شان به یک مکتب قابل اعتراض مربوط اند، نفرت دارد. این بدخواهی به قسمت بزرگی از ارتش، قسمت زیاد مردم مناطق کابل، جلال آباد، و قندهار و تمام قبایل سرحد گسترش یافته است... از طرف دیگر من خودم در قبایل سرحد محبوبیت زیادی دارم. وقت آن میرسد که وطن دوستان مسؤل و گروه دوستداران انگلیس باید خود شانرا ثابت کنند. پلان ها در مراحل پیشرفته آن بوده اما تا حال تکمیل نیستند. اگر کدام مداخله از بیرون صورت نگیرد، کودتا بدون شک، بغیر از خونریزی، مؤفق خواهد شد. در صورت کودتا، آیا حکومت بریتانیا میخواید روسیه را از صحنه بیرون نگهدارد؟ کودتا اجتناب ناپذیر است، اما اگر نفوذ روسیه خنثی نشود، به کنار آمدن با آنها ضرورت خواهد بود.» (۱۵)

سردار محمد هاشم خان: فعالیت های تخریبی سردار محمد هاشم خان، یکی دیگر از عالیرتبه ترین مأمورین رژیم امانی را میتوان از چند مثال آتی اسناد استخبارات انگلیس دریافت :

حمایت مخفیانه از پالیسی های انگلیس در دربار امیر حبیب الله خان: مسئله وارد شدن در جنگ به طرفداری ترک ها علیه انگلیس ها در دوران جنگ جهانی اول، دربار امیر حبیب الله خان و حلقه های حاکمه را به دو گروه مخالف تقسیم نمود. در گروه هوادار انگلیس ها یا به عبارت دیگر گروهی که میخواست در جنگ بی طرف باقی بماند خود امیر، عبدالقوس خان اعتمادالدوله (صدراعظم)، بی بی حلیمه، بیوه بسیار فعال امیر عبدالرحمن خان (نواسه امیر دوست محمد خان) و تعدادی از تاجران شامل بودند که با هند بریتانوی تجارت داشتند. در گروه دوم یابه اصطلاح حزب جنگ، نخست سنت گرایان تحت رهبری سردار نصرالله خان، قاضی القضاة حاجی عبدالرزاق خان که توسط روحانیون و رهبران قبایلی حمایت میشد، و ثانیاً تجددطلبان تحت رهبری محمود طرزی و امان الله خان شامل بودند. اما اسناد محرمانه استخبارات انگلیس روشن میسازد که موقف نادرخان و برادرانش کاملاً روشن نبود. آنها طرفدار منافع انگلیس یعنی بیطرفی در جنگ بودند، ولی با ترس از اینکه به طرفداری از انگلیس ها متهم نشوند، موقف شانرا به گونه فورمولبندی نمودند که از تصامیم امیر حبیب الله خان پیروی خواهند نمود. سردار نادر خان و اعضای دیگر خانواده مصاحبان بعداً نیز کوشیدند تا از جنگ های قبایل سرحد آزاد علیه انگلیس ها جلوگیری کنند. (۱۶)

پخش تبلیغات زهرآگین سردار هاشم خان علیه غازی امان الله خان دربین قبایل مهمند: در یادداشت محرمانه اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی (۱۵ فیروزی ۱۹۲۳) آمده است که "مکاتباتکه بین نایب سالار محمد هاشم خان و یک ملک افغان مهمند دیده شده، میرساند که قبایل سمت مشرقی در تابستان سال ۱۹۲۲ در نتیجه قصه های مبنی بر انحراف امیر، وزرا و علمای کابل از رعایت راه صریح اسلام و پیگیری نوآوری و پیشرفت های بی خدایان آشفته شده اند. محمد هاشم خان در ماه سپتمبر به طرف معامله اش اطمینان داده و از او خواسته است تا در مورد عقیده مذهبی و حمایت از تعلیم امیر تبلیغ کند. (۱۷)

نگرانی اعلیحضرت امان الله خان در رابطه با تخریب اوضاع توسط سردار محمد هاشم خان: در یک سند دیگر اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی (۱۰ اپریل ۱۹۲۴) گزارش داده شده است که "امیر ظاهر از اقدامات مانع شونده حاکم اعلی جلال آباد، که تنها باعث تشدید مقاومت و رکود پالیسی های بدنام [منظور اصلاحات اجتماعی] امیر

شده است، نگران میباشد. قصد امیر برای برطرفی [حاکم اعلی] از جلال آباد آشکار بوده و اخیراً به وی دو دستور صادر نموده تا در مورد شینواری ها و دیگران لحنش را معتدل تر ساخته و از روش آشتی دادن کاریگیرد. در این زمینه [حاکم اعلی] جرگه نازیان را رها نموده و در عوضش در رابطه با قتل دوسپاهی افغان چند تن از سنگو خیل را بازداشت نموده است "... اما ملایمت وی [هاشم خان] در همین جا خاتمه می یابد، چون معاون کمیشنر پشاور درین اواخر اطلاعاتی را بدست آورده که وی در ملاقات با یک جرگه "کوداخل" و "عیسی خیل" [اقوام جنگجوی که علیه انگلیس ها مبارزه مسلحانه میکردند] از آتش مزاجی و بدرفتاری کار گرفته و آنها را تهدید نموده اند که با اقدامات جزائی لشکر کشتی مشترک افغان و انگلیس مواجه خواهند شد. در عوض مهمندی ها ازینکه به داؤود شاه پناه داده باشند، انکار نموده اما به وضاحت اظهار داشتند که اگر ایشان [داؤود شاه] را دستگیر هم کنند، هیچوقت به حاکم اعلی نخواهند سپرد". (۱۸) داؤود شاه و اردلی دوتن از شینواری های سنگوخیل بودند که به تاریخ ۸ اپریل ۱۹۲۳ دو نفر از صاحب منصبان عسکری ارتش بریتانیا به نام های "اور" و "اندرسن" را که مامور امنیت ساختمان خط ریل در دره خیبر بودند، به قتل رساندند.

تخریب رژیم امانی: سردار محمد هاشم خان هنگامی که سفیر برحال افغانستان در مسکو بود، با دیپلمات های انگلیسی و سفیر انگلستان در روسیه ارتباط محرمانه و راجع به ناآرامی ها در افغانستان صحبت هائی داشته است. (۱۹) درین رابطه قسمت های از راپور مؤرخ ۱۷ نومبر ۱۹۲۶ نمایندگی انگلستان در مسکو را نقل میکنیم: «محمد هاشم خان سفیر افغانستان برای یکی دو روزی برگشته است تا ترتیبات قبل از رفتن دایمی از مسکو را بگیرد... رفتن محمدهاشم از مسکو بسیار تأسف آور است. او در مدت دوسالی که در مسکو بود، با نمایندگی [انگلستان] وضعیت بی نهایت دوستانه داشته، در مواقعی شخصاً به من بسیار کمک کرده است... بنظر میرسد که این دوبرادر [محمد هاشم خان و محمد نادرخان] از مدت زیادی بدینسو در رابطه با فرستادن جوانان برای تحصیل در خارج، با [حکومت] کابل اختلاف دارند... محمدهاشم خان در اشاره با نارضایتی روزافزون و عدم رضایت در افغانستان گفت که من فکر میکنم بزودی انقلابی رخ خواهد داد... او پیشنهاد سفارت ایران را پذیرفته است. او در آنجا دوستی بنام میجر فریزر دارد [این شخص بعداً در عهد محمدنادرشاه بحیث سفیر انگلستان در کابل تعیین شد]. در ارتباط نزدیک با کشور خودش، او خواهد توانست جریان اوضاع را از آنجا تعقیب نموده و آماده است در هر موقعی معلومات را به اختیار آقای کلایف Clive قرار دهد. او در رابطه با جانشین خود [میرزا محمد خان سفیر جدید افغانستان در مسکو] هوشدار داد که نباید راجع به مطالب محرمانه با او صحبت کنم.» (۲۰)

این چند نمونه عدم وفاداری و خیانت درباریان رژیم امانی کافیسست تا به ضعف سیاسی رژیم پی برده و مشکلاتی را که غازی امان الله خان در دوران حتی قبل از اغتشاش با آن مواجه بود، درک نمود. در صفحات قبلی به دست داشتن مأمورین عالیرتبه دیگر هم در توطئه های ضد رژیم اشاره شده است، که تکرار آن لازم نیست.

خودفروشی محافل حاکم به ضعف و فروپاشی دستگاه دولت کمک کرد. سوء استفاده های کارمندان دولتی، در پهلوی خیانت درباریان و دسایس اطرافیان سبب شد تا غازی امان الله خان بهترین دوستان و حامیانش را از دست داده و منتفدین قومی ایکه بین او و قبایل شان حیثیت پل ارتباط را داشتند، ناراض شوند.

اختلافات و گروه بندی های داخل دربار

اختلاف نظر در مورد سیاست داخلی و خارجی دولت و رقابت های منفی گروه های داخل دربار یکی از عواملی بود که رژیم امانی را از داخل ضعیف میساخت. یک نمونه برازنده چنین اختلاف بین صدراعظم و وزیر خارجه رژیم امانی را میتوان در نامه مشاهده کرد که سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله به تاریخ ۲۶ سرطان ۱۲۹۹ شمسی (مطابق ۱۷ جولای ۱۹۲۰ م) از قندهار به عنوان شمس المشایخ مجددی و برادرش نورالمشایخ درکاغذ رسمی صدارت فرستاده و در آن از تشویش های درونی اش پرده برداشته و حتی تهدید دست کشیدن از کار دولت را مطرح میکند. او در نامه ارسالی اش مینویسد که علاج مشروطیت اینست که «از طرف شرع انور، مشروطه طلبان را باید واجب القتل دانست، و بعد از آن برای تعلیمات علوم جدید دست و آستین بالا نمود. خواستم که در قندهار نیز تعلیم علوم جدید را جاری نمایم لیکن به حکم شرع باید میکروب مشروطه از بین برده شود. از آنست که از علمای اینجا سوالی نموده و جواب گرفتم و به غرض استحضار شما فرستادم اگر لازم میدانید تقدیم حضور نموده دروازه این «فریب» را بند نمایند.» (۲۱)

در متن درخواست فتوای خود که سردار عبدالقدوس خان از علمان مذهبی قندهار نموده به صراحت نگاشته که «... چیزی را که در اساس کار خود قبول کرده نمیتوانم یک چیز میباشد، و آن چیست؟ آن چیز مشروطه میباشد... لهذا میخواهم که به موافقت شما این اصول را از بین برداشته باقی را داخل نسخه اصلاحات کار خود نمایم .

علمای مذهبی به جواب استفتای مفصل سردار عبدالقدوس خان پاسخ مثبت داده سلطنت را تأیید کردند و «باقی اقسام هرچه باشد، سیاسی و یا طبیعی، مشروطی یا جمهوری، بلشویکی و یا منشویکی و غیره و غیره... مردود العقل والشرع» دانستند. (۲۲) مرحوم غبار میگوید که علمای مذهبی قندهار با این جواب خود گرچه رژیم مشروطه را طرد کردند، معهدا از دادن فتوای مبنی بر قلع و قمع مشروطه خواهان چنانکه صدراعظم (سردار عبدالقدوس خان) میخواست سرباز زند. (۲۳)

شادروان غبار علاوه میکند نه اینکه صدراعظم با وزیر خارجه و شخص شاه اختلاف نظر اساسی داشت، بلکه در حکومت مرکزی و ولایات کشور یک قسمت عمده مأمورین دولت با طرح های جدید دولت مخالف و یک قسمت دیگر به دشمن حکومت تبدیل شده میرفتند، این اوضاع به تدریج زمینه یک اختلال خطرناک را تهیه مینمود، و کسانی که روی یک نقشه معین و مرموزی حرکت میکردند با انواع مختلف از کارشکنی و سبوتاژ دریغ نمی نمودند مثلاً هنگامیکه دولت برای تنظیم عصری اردو متوجه و افسران کار آگاه خارجی چون ضیا بیگ و همکارانش را استخدام نمود، اینها یک جزوات اردو را در مهتاب قلعه بدست گرفته و با نظم نوین و تعلیم و تربیه و تغذیه عسکر و افسر بشکل یک قطعه عصری درآوردند. این قطعه که نمونه کاملی برای تنظیم تمام اردوی کشور بود «قطعه نمونه» خوانده می شد، در حالیکه از طرف افسران مخالف قطعه دیگری بنام «نمونه شکن» تشکیل شد، و بلاخره قطعه نمونه از بین رفت، و اردو به حالت ابتر قدیم باقی ماند.

در راپور ماه اگست ۱۹۲۰ استخبارات انگلیس از ساختن یک گروه توسط سپه سالار محمدنادرخان و مخالفت آن با محمودطرزی هم گزارش داده شده است. درین گزارش آمده است که در گروهی که نادرخان در مخالفت شدید با محمودطرزی تشکیل داده است، غلام حیدرخان وزیرتجارت، کرنیل پیرمحمدخان و نرنجن داس شامل میباشند. گزارش علاوه میکند که شمولیت نرنجن داس توانمندی این گروه را نشان میدهد، زیرا او نمیتواند از یک گروه ضعیف و بازنده پشتیبانی کند. (۲۴)

دریک گزارش دیگر قبلی همین اداره استخبارات انگلیس ها گفته شده بود که نفوذ نادر خان بر امان الله خان رو به ازدیاد بوده و گروه مخالف محمودطرزی آرزومند است در رابطه با نتایج کنفرانس میسوری چانس وارد کردن صدمه بر محمودطرزی را بدست آورد. اما گفته میشود باوجودیکه محمود طرزی در باره حل مسایل از طرف امیر دارای اختیارات مطلق میباشد، او تمام سؤاها را برای تصمیم گیری به امان الله خان راجع میکند در صورت امکان دادن کدام مراعات به انگلیس ها از گفتار مخالفین خود جلوگیری کرده باشد. (۲۵)

در اسناد دیگر آرشیف هندبریتانوی نیز به گروه سپه سالار محمدنادرخان اشاره شده است. دریکی ازین مکاتیب چلمسفرورد راجع به وضعیت افغانستان بتاريخ ۲۵ می ۱۹۲۰ به پادشاه انگلستان مستقیماً راپور میدهد که «بدون شک در افغانستان دوگروه موجود اند- یکی ازین گروه ها را نادر خان سپه سالار اردوی افغانستان رهبری میکند، و خوش است مناسبات خراب افغانستان با ما ادامه داشته باشد.» (۲۶)

علاوه بر مثال های که در صفحات قبلی نیز ذکر شده اند، اختلافات سردار محمدنادرخان با محمودولی خان دروازی، خانواده چرخ، و اختلافات کفیل وزارت حربیه با وزیر داخله و غیره قابل یادآوری اند، که برای جلوگیری از طوالت کلام از تفصیل آن میگذریم .

اشتباهات غازی امان الله خان

هیچ جای شکی نیست که غازی امان الله خان هم یک انسان و جوان بوده، عاری از عیب و اشتباه نبود. او بیصیرانه در راه رسیدن هرچه زودتر به اهداف عالی و انسانی اش که آرامی و آسایش ملت و پیشرفت و ترقی کشورش بود، میکوشید، و در بعضی موارد به اصلاحات فرعی و غیر اساسی نیز دست زد. اما اینکه انتقاد کنندگان بعد از سقوط رژیم او، و آنهم بدون تجزیه و تحلیل پروگرام های اصلاحی، دست به حملات و انتقادات شخصی میزنند، دور از واقعیت و بی انصافی میباشد .

یادداشت :

اصلاحات، گروه های منتقد بشمول رهبران مذهبی، سرداران و خان هارا از صلاحیت مطلق، امتیازات و حقوق مستمری شان محروم ساخته به مخالفین دولت تبدیل نمود. خیانت سرداران و درباریان خود فروخته، در پهلوی رقابت ها و مخالفت های گروه های داخل دولت، کارشکنی خانواده مصاحبان، و درباریان فاسد و متملق هم سبب ضعف و بی ثباتی حکومت مرکزی شد. استعمار انگلیس که همیشه یک افغانستان قوی و غازی امان الله خان را برای سلطه و منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود تهدیدبزرگ می شمرد، از انواع توطئه ها و تلاش های ترور و کشتن هم نتیجه مطلوبش را بدست نیاورده بود، ازین فرصت استفاده نموده در صدد برانداختن حکومت امانی برآمد.

چون عامل عمده سقوط رژیم امانی عامل خارجی و توطئه های انگلیس میباشد، لذا ادامه این بحث را در سلسله مقالات توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی دنبال میکنیم .

(پایان)

یادداشت ها و مأخذ

1. نوید، سنخل /ترجمه مجددی، نعیم (۱۳۸۸)، واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی در افغانستان ص XIX .
2. حاجی صاحب تورنگزی، حضرت صاحب شمس المشایخ، حاجی صاحب عبدالرازق اندر و غیره از جمله رهبران مذهبی پرنفوذی بودند که تا آخر حیات شان از رژیم امانی حمایت کردند.
3. خانواده روحانی مجددی در اواخر قرن ۱۸ میلادی از سرهند هندوستان به افغانستان آمده و یک شاخه آن در کابل سکونت اختیار کرده و با تاسیس یک مدرسه و خانقاه در منطقه شوربازار کابل بنام حضرت صاحبان شوربازار شهرت یافتند. این خانواده در سالهای سلطنت غازی امان الله خان و بعد از آن از پر نفوذترین رهبران مذهبی در افغانستان بشمار میرود، و بحیث رهبران طریقه نقشبندیه صوفی مریدان بی شماری در هر دو طرف سرحدافغانستان با هند بریتانوی داشتند.
4. فرمان شماره ۱۳ در پایان کتاب افغانستان در عصر اعلیحضرت امان الله خان، تالیف فضل غنی مجددی.
5. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان ، ص ۳۲۳.
6. همانجا، ص ۲۲۷.
7. اولیور روی، افغانستان ، اسلام و نوگرایی اسلامی، صفحات ۱۰۰ _ ۱۰۱.
8. Poullada, L. B. (1973), ص
9. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ۳۳۰.
10. همانجا، ص ۲۲۱.
11. Poullada, L. B. (1973)، صفحات ۱۲۵-۱۲۶.
12. Stewart, Rhea Talley (2000). (آتش در افغانستان)، ص ۲۶۶.
13. درینجا طرز ذهنیت و طرز تفکر سردار شیر احمدخان را میتوان درک کرد. وزیر مالیه میرمحمد هاشم خان پسر میر عبدالعزیز خان از سادات کابل و شخص بادانش و محترم بود. عبدالهادی خان هم از قوم داوی ، دانشور، مشروطه خواه و خدمتگار کشور بود. پدر داوی، عبدالاحد اخندزاده یکی از اطبای یونانی بی بود که به دعوت امیر عبدالرحمن خان از قندهار به کابل آمده بود.
14. Stewart, Rhea Talley (2000). (آتش در افغانستان)، ص ۲۷۴.
15. Stewart, Rhea Talley (2000)، ص ۳۱۴.
16. اوستا اولیسن (۱۹۹۵)، (اسلام و سیاست در افغانستان) ص ۱۰۱.

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

۱۷. یادداشت محرمانه شماره هفت (۷) اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفته که به تاریخ ۱۵ فیبروری ۱۹۲۳ ختم میشود، پراگراف شماره ۸۴.
۱۸. یادداشت محرمانه شماره چهارده (۱۴) اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفته که به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۲۴ ختم میشود، پراگراف شماره ۱۹۸.
۱۹. Stewart, Rhea Talley (2000)، ص ۳۰۶.
۲۰. اسناد محرمانه آرشیف انگلستان، مکتوب شماره ۸۳۳، مؤرخ ۱۷ نومبر ۱۹۲۶، هوجسن سفیر انگلستان در مسکو به وزارت خارجه. L/P&S/10/1203.
۲۱. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، ص ۸۰۲؛ مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، ص ۲۲۳.
۲۲. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، ص ۸۰۴.
۲۳. در قسمتی از جواب یازده صفحه‌ی علمای دینی قندهار آمده بود که "چه از نگاه عقلی و چه قانونی فقط یک نوع حکومت که آنهم (خلافت و امامت) است، میتواند برای تعمیم قوانین آسمانی و پیاده کردن نظام سیاسی مقدر از جانب پروردگار وجود داشته باشد. و هرچه از خوبی و یا بدی که بر نوع بشر تأثیری وارد میکند، بوسیله همین نوع حکومت تعیین خواهد شد. و آنچه که خارج این حدود باقی بماند، چه سیاسی باشد و یا طبیعی، مشروطه و یا جمهوری، بلشویکی و یا منشویکی که بنای آنها بر داوری الهی استوار نباشد و یا عدالت جهانی را برای بهبودی روحی و جسمی انسانها در این جهان و دنیای ما بعد در نظر نگیرد، و بنام درست کاری، فساد و در لباس مدنیت نفرت و وحشت را تشویق نماید، مطابق به صلاحیت شرعی علماء و دلایل ساده دیگر مردود اعلان می شود.
۲۴. اسناد آرشیف هند بریتانوی، یادداشت شماره ۳۵ دفتر استخبارات ایالت سرحدی شمال مغربی برای هفته بیست و ششم اگست ۱۹۲۰.
۲۵. اسناد آرشیف هند بریتانوی، یادداشت محرمانه شماره ۲۵ اداره استخبارات ایالت سرحدی شمال مغربی برای هفته که به تاریخ ۱۷ جون ۱۹۲۴ ختم میشود، پراگراف شماره ۷۰۸.
۲۶. اوراق محرمانه از آرشیف های شاهی بریتانیا، به اهتمام پی این چوپره، ص ۲۰۰.

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ